

آداب و ادب رمضان

رمضان، این ماه شیرین الهی هم آداب دارد و هم ادب و به تبع این ادب و آداب می‌توان آن را کامل‌ترین و از زمره دیرینه‌ترین اشکال آیینی اسلام دانست ...



رمضان، این ماه شیرین الهی هم آداب دارد و هم ادب و به تبع این ادب و آداب می‌توان آن را کامل‌ترین و از زمره دیرینه‌ترین اشکال آیینی اسلام دانست که همچون گونه‌های مختلف رسوم آیینی حاوی منشی فرهنگی است؛ منشی که به بهترین شکل در ادب و ادبیات رمضانی تجلی یافته است، چرا که شعر صدای غالب رسانه‌ای در فرهنگ پیشینیان ما بوده و شعر رمضان و رمضانیه‌ها محملی گویا برای انتقال این فرهنگ تلقی می‌شده است.

با عنایت به اقبال مردمی به اسلام و مکتب اسلام اهل بیت علیهم السلام و تفکر شیعی از سوی مردم، شاعران نیز از ابتدا به پاسداشت سنن اسلامی پرداختند و ماه صیام و روزه از ابتدای شعر فارسی یعنی از زمان رودکی و فردوسی به شعر فارسی راه یافت:

همان بر دل هر کسی بوده دوست

نماز شب و روزه آیین اوست (فردوسی)

در میان شاعران نخستین دوره شعر فارسی یعنی شاعران مکتب خراسانی توجه به روزه و رمضان کاملاً قابل مشاهده است، اما آنچنان که ساحت کلی شعر فارسی این دوران پذیرای گونه ای سادگی و بی پیرایگی است نقش رمضان در این اشعار نیز نقشی است که کاملاً مابه ازای بیرونی دارد و صوم در شعر بیانگر احوال روزه و روزه داران است و کمتر می‌توان از کارکردهای استعاری برای این مفهوم نشان جست:

از جسم بهترین حرکاتی صلاه دان

وز نفس بهترین سکناتی صیام دان (خاقانی)

با این همه اندک اندک در دوره های بعد نگاه شاعران به رمضان وسعت بیشتری می‌یابد. مولانا که او را ستاینده ترین شاعر به رمضان خوانده اند وقتی می‌خواهد از حلول ماه رمضان سخن بگوید با وزنی ضربی و طرب انگیز سخن آغاز می‌کند که نشان از شور و نشاط درونی او دارد:

ماه رمضان آمد، ای یار قمر سیما

بر بند سر سفره، بگشا ره بالا

ای یاهو هر جایی، وقت است که بازآیی

بنگر سوی حلوائی، تاکی طلبی حلوا...

مولانا در اشعار خویش نگاهی متعالی به روزه دارد و از منظری عرفانی به روزه نگاه می‌کند، اما توأمان با این نگاه عرفانی نظرگاه ادب دینی را نیز فراموش نمی‌کند و گرچه به شاعرانگی و تشبیه و استعاره می‌پردازد، اما بافت کلام و سخنش بافتی آیینی است:

سوی اطفال بیامد به کرم مادر روزه

مهل ای طفل به سستی طرف چادر روزه

بنگر روی ظریفش بخور آن شیر لطیفش

به همان کوی وطن کن، بنشین بر در روزه

او روزه را چون مادری می داند که اطفال را از کرم، سیراب از شیر لطیف معرفت می کند.

همین نگاه را به شیوه ای دیگر در شعر سایر شاعران مکتب عراقی می توان یافت. سعدی در گلستان و بوستان حکمت خویش چنین پند می دهد:

خورنده که خیرش برآید زدست

به از صائم الدهر دنیاپرست

مسلم کسی را بود روزه داشت

که درمانده ای را دهد نان و چاشت

وگرنه چه حاجت که زحمت بری

زخود بازداری و هم خودخوری

در این میان، حافظ همچون همیشه رندی پیشه می کند و در حالی که بنا به شمارش اهل فن مجموع دفعات استفاده او از عبارات روزه و روزه دار و رمضان و صیام اندکی بیش از انگشتان دو دست است، اما استفاده ای کاملاً رندانه و استعاری از این مفهوم متعالی می کند:

زان باده که در میکده عشق فروشند

ما را دو سه ساغر بده و گو رمضان باش...

با این همه از آنجا که آداب رمضان، گستره ای وسیع داشته است در حوزه شعر نیز شاهد رویکردهای متنوعی به مفاهیم رضانی بوده ایم.

شاعران ادب فارسی از گوشه گوشه گلستان رمضان خوشه چینی کرده اند و از این رو شاهد شعرهایی در باب استهلال، روزه، افطار، سحر، شب قدر، وداع با ماه مبارک و عید سعید فطر بوده ایم.

به این گونه شاعران از سطح گذشته و در عمق و ژرفای شعر به مفاهیم دینی پرداخته اند تا شعرشان صرفاً واگویه رمضان به مثابه یک رویداد تقویمی نباشد.

سعدی در این شعر سراغ مفاهیمی می رود که صاحب نظران آن را متأثر از وداع حضرت سیدالسادین امام زین العابدین(ع) با رمضان دانسته اند:

برگ تحویل می کند رمضان

بار تودیع بر دل اخوان

یار نادیده سرزود برفت

دیر ننشست نازنین مهمان

یا این شعر تودיעی از همام تبریزی که در آن به شب قدر اشارت دارد:

عمل ما اگر این است که ما می بینیم

نرود ماه مبارک ز بر ما خشنود

از شب قدر ندانیم نشانی جز نام

چشم آلوده ما محرم آن حال نبود

رندی برخی شاعران در کنار شادکامی اهل ایمان در ماه ضیافت الهی زمینه ساز فضایی بوده که شاعران را به سمت گونه ای طنازی کشانده است و آثاری از جنس آری افطار رطب در رمضان مستحب است شاطر عباس صبحی و اتفاقا رمضان بود نمی دانستم اشرف مازندرانی را خلق کرده که برای این گونه اشعار تاویلاتی نیز ذکر شده است.

در پایان این نوشتار جا دارد اشارتی به شعر امروز کنیم. برخی شاعران امروز از جمله علیرضا قزوه که خود اشعاری در باب رمضان دارد، معتقدند ادبیات روزگار گذشته بیشتر توانسته است موضوعات ارزشی مثل روزه را انتقال دهد، اما ادبیات امروز ما از فضای معنویت و ارزشی دور شده است.

با این همه او خود از جمله شاعرانی است که میان شاعران معاصر به رمضان پرداخته و رمضانیه گفته است.

وی در استقبال از ماه رمضان سروده:

چند وقت است چراغ شب من کم سوست

رمضانی بوزان در دل من، یا دوست

یا چراغ رمضان! در من روشن باش

من کی ام غیرچراغی که شرارش اوست

و البته به سنت شعر فارسی شعر وداعی و تودיעی نیز دارد:

آمدیم از سفر دور و دراز رمضان

پی نبردیم به زیبایی راز رمضان

اما واقعیت این است که شعر معاصر فارسی کمتر شاعر پیگیری پرورش داده که به صورت جدی به رمضان و رمضانیه بپردازد و بتوان در کلیت و کلیات اشعارش رنگ و بوی رمضان و رمضانیه را یافت. هر چند شاعران مختلف شعرهایی را در این فضا تجربه کرده اند، اما اولاً شاهد جریانی عمومی این حوزه در شعر این روزگار نبوده ایم و آثار خلق شده نیز در ادامه جریان عمومی رمضانیه ها بوده اند و کمتر شاهد شعری متفاوت با رنگ و بوی دغدغه های اهالی این روزگار بوده ایم. باشد که به قول علیرضا قزوه ادبیات امروز نیز روزه دار شود!

هاشم کرونی - شاعر و منتقد